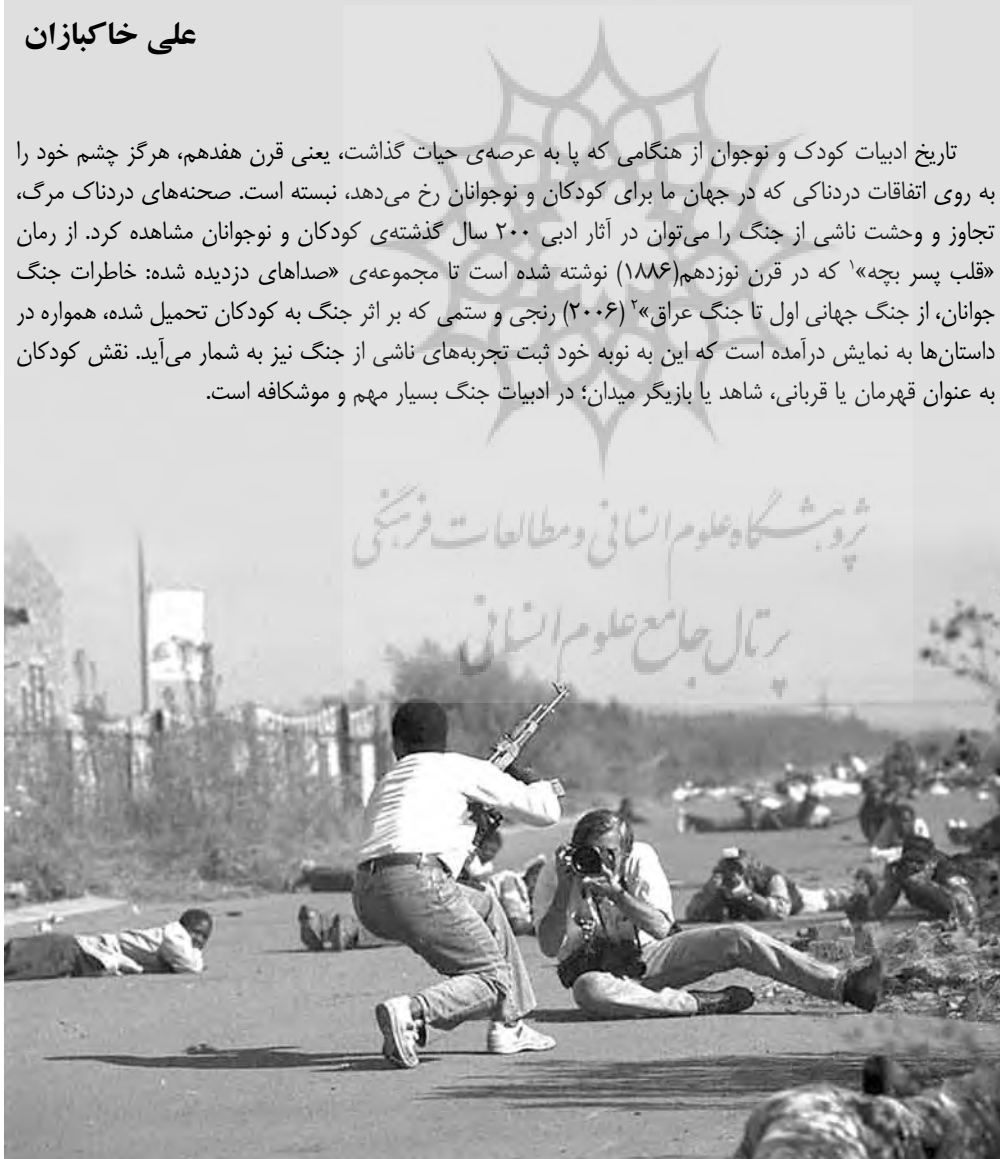


مرگ در جنگ

علی خاکبازان

تاریخ ادبیات کودک و نوجوان از هنگامی که پا به عرصه‌ی حیات گذاشت، یعنی قرن هفدهم، هرگز چشم خود را به روی اتفاقات دردناکی که در جهان ما برای کودکان و نوجوانان رخ می‌دهد، نبسته است. صحنه‌های دردناک مرگ، تجاوز و وحشت ناشی از جنگ را می‌توان در آثار ادبی ۲۰۰ سال گذشته‌ی کودکان و نوجوانان مشاهده کرد. از رمان «قلب پسر بچه»^۱ که در قرن نوزدهم (۱۸۸۶) نوشته شده است تا مجموعه‌ی «صداهای دزدیده شده: خاطرات جنگ جوانان، از جنگ جهانی اول تا جنگ عراق»^۲ (۲۰۰۶) رنجی و ستمی که بر اثر جنگ به کودکان تحمیل شده، همواره در داستان‌ها به نمایش درآمده است که این به نوبه خود ثبت تجربه‌های ناشی از جنگ نیز به شمار می‌آید. نقش کودکان به عنوان قهرمان یا قربانی، شاهد یا بازیگر میدان؛ در ادبیات جنگ بسیار مهم و موشکافه است.





مرگ قهرمانانه در میدان جنگ

در قرن نوزدهم، مرگ بخش طبیعی زندگی کودکان و نیز بخشی از آثار ادبی که با جنگ سر و کار داشتند محسوب می‌شد. ادموندو دی آمیسیس^۲ در رمانش به نام «قلب پسر بچه» که یکی از الگوهای نثر امروزی در آثار کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید، با مرگ به عنوان امری مجازی برخورد نکرده است؛ بلکه آن را بخشی از تجربه زندگی می‌داند. مرگ در سراسر رمان به شکلی واضح نشان داده شده است؛ مرگ پسر بچه‌های ایتالیایی در نقاط مختلف کشور، کودکانی که برای نجات کشور یا هموطنان‌شان لحظه‌ای در رویارویی با مرگ درنگ نمی‌کنند. این شخصیت‌ها در وضعیت‌های بسیار طاقت‌فرسایی به تصویر کشیده شده‌اند که برای بقا به نیروی معنوی فوق‌العاده زیادی نیاز است. در این‌گونه داستان‌ها صحنه‌ی مرگ به صورت افراطی قهرمانانه نشان داده شده است. در این‌جا مرگ به خودی خود هدف بزرگی شمرده می‌شود و مرگ‌طلبی به آرمان بزرگی تبدیل شده است؛ به طوری که قربانی به قهرمان تبدیل می‌گردد. شخصیت اصلی رمان «لیتل ویدت»^۳ بچه‌ای سر راهی است که در نوانخانه زندگی می‌کند و داوطلبانه به کمک سربازان می‌شتابد. او از بالای درخت بلندی محل سربازان دشمن را به افراد خودی اعلام می‌کند و سرانجام بر اثر اصابت گلوله توپ از پای درمی‌آید. در این‌جا، مرگ از پسر بچه‌های معمولی، یک قهرمان می‌سازد. تجلیل و قدردانی سربازان و رژه‌ی آن‌ها از برابر جسد پسر بچه نشانه‌ی اوج احترام به مرگ قهرمانانه‌ای است که او را از یک پسر بچه‌ی چوپان روستایی به بالاترین درجه‌ی افتخار و بزرگی می‌رساند.

سرخوردگی و مرگ به مثابه پایان زودرس زندگی

در نیمه‌ی اول قرن بیستم، مصیبت‌های جنگ به صورت‌های مختلف در ادبیات کودکان و نوجوانان، با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر جامعه و جنبه‌های سیاسی و جغرافیایی آن، نشان داده شده است. واکنش آنی نویسندگان به جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) سبب شد تا از به تصویر کشیدن وحشت و فجایع ناشی از جنگ در آثاری که خردسالان مخاطبش هستند- احتمالاً به این دلیل که برخی از آنان در جنگ دچار صدماتی نیز شده بودند- اجتناب کنند. حیوانات در نقش شخصیت‌های کودک وارد صحنه شدند و به جای شاهدان یا نقش‌آفرینان جنگ قرار گرفتند. این حیوانات، گرچه زبان بسته نبودند، اما اغلب در نقش راوی ظاهر می‌شدند. ادبیات کودک و نوجوان در دو کشور چک و اسلواکی، در دوره‌ی پس از جنگ، به صورت گسترده‌ای سعی در نشان دادن لژیون‌های خارجی چکسلواکی را داشته است. از جمله آثار این دوره می‌توان به «سگ کمپانی»^۴ نوشته‌ی فرانتیژک لاتنجر^۵ و «در باره‌ی لژیون‌های ما، کودکان و حیوانات سیبری»^۶ نوشته‌ی رودولف میدک^۶ اشاره کرد.

در ادبیات نوجوانان روسیه، پایان جنگ با صحنه‌های ویرانی و چپاول ناشی از جنگ داخلی عجین شده است که به نوبه‌ی خود اثر ویرانگری بر روح کودکان دارد. رمان «تاشکند؛ شهر نان»^۹ نوشته‌ی الکساندر سرگئی نووف^{۱۰}، سفر میشکای ۱۲ ساله و دوست کوچک‌ترش، سربوشکا، را به تصویر می‌کشد. میشکا و دوستش بر اثر قحطی از زادگاه‌شان، اولگا، به امید یافتن غذا به تاشکند سفر می‌کنند. آن‌ها از همان ابتدای سفر با مرگ مواجه می‌شوند و شرایط بسیار ناگوار و سخت گاهی آن‌ها را وامی‌دارد دست به اعمال غیرانسانی بزنند (میشکا که از گرسنگی در حال مرگ است، نان پیرمردی را که او نیز در شرف مرگ است می‌دزدد). اما دوستی میشکا و سربوشکا تا مرگ سربوشکا که بر اثر تیفوس رخ می‌دهد، پایدار می‌ماند. میشکا با امید به زنده ماندن و مسئولیتی که در قبال مادر و خواهر و برادر کوچک‌ترش احساس می‌کند، به این سفر دشوار ادامه می‌دهد. او در پایان این سفر دیگر مانند کودکان هم‌سن خود فکر نمی‌کند و با این که ۱۲ سال بیشتر ندارد، در نقش قهرمانی شجاع و سرپرست خانواده‌اش ظاهر می‌شود.

جنگ داخلی در ادبیات روسیه رنگ و لعاب اعتقادی دارد و از نگاهی جانبدارانه بیان می‌شود. در کتاب «ارتش انقلابی شوروی»^{۱۱} نوشته‌ی ارکادی گایدار^{۱۲}، که وقایع آن در خلال جنگ داخلی در اکراین رخ می‌دهد، پسر بچه‌ها قصد دارند از خانه‌های‌شان، که دیگر جای امنی برای زندگی نیست، فرار کنند. سرنوشت آن‌ها به هنگام فرار با دیدن یکی از سربازان ارتش سرخ که به کمک احتیاج دارد، تغییر می‌کند. در این اثر هم، پسر بچه‌ها پیوسته در خطر مرگ قرار دارند و با حوادثی مواجه می‌شوند که برای‌شان خطرناک و مرگ‌آفرین است، اما تلاش آن‌ها برای نجات سرباز ارتش سرخ اشاره‌ای نمادین به اهمیت مسئولیتی است که شخصیت‌های شجاع رمان برعهده گرفته‌اند. پسر بچه‌ها که در نقش شخصیت‌های بزرگسال ظاهر شده‌اند، در حقیقت نقطه‌ی مشترکی را در ادبیات کودکان و بزرگسالان به وجود آورده‌اند.

آثاری که پس از گذشت چند دهه برای نوجوانان درباره‌ی جنگ جهانی اول نوشته شده است، تحت تأثیر مضاعف اخبار و تفاسیری است که بر اثر کشمکش‌های زیادی (سیاسی، قومی و...) به مثابه حادثه‌ای تاریخی که پایان یافته، عرضه شده‌اند. از آنجایی که واکنش‌های آنی نسبت به جنگ تحت تأثیر وضعیت دوره‌ی زمانی خاص خود قرار داشتند (حس میهن‌پرستی و قهرمانی را منعکس می‌کردند) آثار دوره‌ی معاصر درباره‌ی جنگ، تا حد زیادی انسان‌دوستانه و صلح‌طلبانه است. این‌گونه آثار، جنگ و مرگ ناشی از آن (به ویژه مرگ کودکان و خردسالان) را پوچ و بی‌فایده نشان می‌دهند. ذهنیت اغلب قهرمانان جوان، هنگامی که درمی‌یابند اشتیاق صرف آن‌ها به جنگ تا چه حد خام و ساده‌لوحانه بوده است، معمولاً تغییر می‌کند. آن‌ها با وحشت مرگ روبه‌رو می‌شوند، مرگ دردناک دوستان نزدیک خود را به چشم می‌بینند و معمولاً به‌طور ناگهانی جان خود را نیز در صحنه نبرد از دست می‌دهند، بی‌آن‌که حتی بتوانند به گوشه‌ای از آرمان‌هایی که برایش جنگیده‌اند دست یابند.

آرتور تنور^{۱۳} در رمان خود به نام «خاطرات یک زنده»^{۱۴} داستان پسر پانزده ساله‌ای به نام مکس را روایت می‌کند که در رؤیایش خود را یک روزنامه‌نگار می‌بیند. تنور در این داستان مرز باریک بین قهرمان، قربانی و قاتل را نشان می‌دهد. مکس تحت تأثیر جو نظامی‌گری سال ۱۹۱۴، درگیر یک سری عملیات خطرناک می‌شود و به کاروانی از خودروهایی که توسط ارتش مصادره شده‌اند، می‌پیوندد. سفر پر ماجرابی که پسر نوجوانی، سرمست از شور میهن‌پرستی راهی آن می‌شود، خیلی زود به تجربه‌ی تلخی تبدیل می‌گردد. او به جبهه‌ی جنگ می‌رسد و صحنه‌های دهشتناک جنگ را به چشم می‌بیند (جسد سربازان و مرگ مجروحان). مکس نه فقط به عنوان شاهد رابطه‌ی مستقیم با مرگ پیدا می‌کند، بلکه خودش نیز شریک جرم به شمار می‌آید؛ چرا که در جنگ کسی نمی‌تواند بی‌طرف بماند. او مجبور است اسلحه به دست بگیرد و بکشد. خاطرات روزانه‌ی مکس، بازتاب صحنه‌های جنگ از چشمان پسر نوجوانی است که چهره‌ی زشت و کریه جنگ را در کنار تجاوز از تمامی اصول اخلاقی و انسانی به تصویر می‌کشد. این حوادث به شدت مکس را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تنها نوشتن آن‌ها در دفتر خاطرات روزانه‌اش به او کمک می‌کند تا به زندگی طبیعی بازگردد.

شرکت شخصیت‌های نوجوان رمان «دوستان»^{۱۵} نوشته‌ی کاترین کوئنکا^{۱۶}، در کشتار و خونریزی، نتیجه‌ای جز بدنامی برای‌شان ندارد. فلیشن، قهرمان رمان، باید قولی را که به دوستش، دلفین، داده عملی کند. این قول به ظاهر ساده - نوشتن نامه‌ای به خانواده‌ی دوستش که در جبهه کشته شده است - برایش به کاری بسیار شاق و طاقت‌فرسا تبدیل می‌شود. فلیشن که بر اثر از دست دادن دوستش غمگین و دل‌شکسته است، با یادآوری وقایعی که از سر گذرانده، پوچی و بیهودگی جنگ را برملا می‌سازد.

در رمان دیگری درباره‌ی جنگ جهانی دوم به نام «نام او سرباز گمنام بود»^{۱۷} تنور زندگی دو عاشق به نام‌های فرانسیس و لوسی را از کودکی تا بزرگسالی نشان می‌دهد. فرانسیس در شوری میهن‌پرستانه به سوی جبهه روان می‌شود، در حالی که چهره‌اش نشان از قریب‌الوقوع بودن خطری دارد که تهدیدش می‌کند. مرگ سربازانی که در کنارش جنگیده‌اند، نگاه او را نسبت به جنگ تغییر می‌دهد، اما خودش نیز به یکی از بی‌شمار قربانیان جنگ تبدیل می‌شود. لوسی به‌طور اتفاقی از مرگ



نامزدش باخبر می‌شود و درمی‌یابد که قرار است جسدش را زیر طاق پیروزی با عنوان سرباز گمنام به خاک بسپارند. در رمان «صلح شخصی»^{۱۸} مرگ به خودی خود حماسی و قهرمانانه شمرده نمی‌شود؛ بلکه زمانی به چنین ویژگی و صفتی دست می‌یابد که نوجوانان قهرمان در برابر دستورات ماشین جنگی کور که فقط دستور به کشتن می‌دهد، قدم می‌کنند. مایکل پورپور گو^{۱۹} با نگاه به گذشته، داستانی را روایت می‌کند که در آن قهرمان به نوعی دیگر معرفی می‌شود. دو برادر با دستورات غیرانسانی ارتش مخالفت می‌کنند. برادر بزرگ‌تر، چارلی، نمی‌پذیرد که برادر جوان‌ترش را که زخمی شده ترک کند و به این ترتیب با فرمانده‌اش به مبارزه برمی‌خیزد و او را که نمادی از همان ارتش است، می‌کشد. در این رمان سربازان دو طرف از کشتن یکدیگر متنفر می‌شوند و هیجان یا شور جنگ دیگر آن‌ها را اقنا نمی‌کند. سرخوردگی و نفرت از کشتن در رمان دیگر پورپور گو، به نام «اسب جنگ»^{۲۰} نیز به روشنی دیده می‌شود.

بعد دستوری را می‌توان در کتاب مصور «زدودن جنگ»^{۲۱} نوشته‌ی پی.یر.الی فری بر^{۲۲}، به وضوح دید. دیدگاه پست‌مدرنیسم کتاب که زمان وقایع را به دوره‌ی کنونی باز می‌گرداند، قصد ندارد خواننده را بترساند، اما انگیزه‌ای برای مواجهه شدن او با تجربه‌ای تاریخی است. نویسنده‌ی کتاب قصد دارد مخاطب کودک را وادارد تا درباره‌ی جنگ به صورتی نقادانه فکر کند؛ چه آنانی را که از نزدیک یا دور شاهد این‌گونه وقایع بوده‌اند (شاهدانی که از روی بی‌قیدی از کنار خاطرات قربانیان جنگ می‌گذرند) و چه کسانی که به دلیل فواصل بسیار زیاد جغرافیایی، تحت تأثیر مستقیم قرار نگرفته‌اند و فقط از طریق رسانه‌ها شاهد وقایع بوده‌اند. عنوان کتاب اشاره به بی‌قیدی ناپسند اما درستی است که معمولاً نتیجه‌ی اشباع بیش از حد اخبار مربوط به جنگ است. «زدودن جنگ» از زبان پدربزرگی گفته می‌شود که برای نوه‌اش، به هنگام دیدن اخبار جنگ سارایوو و روانا، وقایع را توضیح می‌دهد. هشتاد سال پس از به پایان رسیدن جنگ، سربازان کشته شده، در کتاب زنده می‌شوند و قدم به دنیای کنونی می‌گذارند و آرزو می‌کنند که فداکاری‌شان جوامع بشری را به درجه‌ی بالاتری از انسانیت سوق داده باشد. یکی از این سربازان معلمی است که تلاش می‌کند شرح دهد که در آن زمان چه حوادثی رخ داده است. در این کتاب متن با تصاویر عجیب شده و مانع از ایجاد حس ترحم و حتی به هم آمیختن عناصر می‌شود که به کنایه یا طنزی تلخ منجر گردد. به هر حال اصولاً مرگ فقدان است که به هیچ طریقی نمی‌توان آن را جبران کرد.

آموزه‌های اعتقادی (آرمانی)

جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹-۱۹۴۵) به صورت‌های مختلف و قالب‌های گوناگون در آثار مربوط به کودکان و نوجوانان، نشان داده شده است. در کشورهایی که در گذشته بخشی از بلوک شرق به شمار می‌آمدند، به آثار متعددی برمی‌خوریم که

هدفشان اعتقادی (آرمانی) کردن ادبیات است. در این کشورها جنگ جهانی دوم به مثابه برخورد عقاید گروه‌های مختلف نشان داده می‌شد. به عنوان مثال نقش آمریکا و کشورهای هم‌پیمان بسیار کم‌رنگ و نقش ارتش سرخ شوروی بسیار مهم و پررنگ بود. در این آثار، کودکان به عنوان نمادهایی از زندگی جدید هستند که به شکلی مؤثر در عملیات نظامی در کنار بزرگسالان شرکت می‌کنند. از جمله‌ی این آثار می‌توان به کتاب ژورا سوسنار^{۳۳} به نام «یوراشک»^{۳۴} (۱۹۵۱) اشاره کرد که به شدت مورد تشویق منتقدان آن دوره قرار گرفت. پسر جوانی که در جنبش مقاومت شرکت می‌کند، زندگی عمو و پسرعمویش را فدا می‌کند و جان خود را به خطر می‌اندازد تا زندگی یک پارتیزان روس و دستگاه بی‌سیم او را از خطر حفظ کند. هنگامی که خود نیز می‌میرد، حس طبیعی ناشی از ترس و اندوه جای خود را به غرور مبارزه‌ی نوجوانی می‌دهد که جان خود را فدای میهن کرده است. شخصیت مشابه «کودک بزرگ‌نما» که به راحتی خواسته‌ها و علایق دوره‌ی کودکی را فدا می‌سازد و با خونسردی و شجاعتی نامعقول و غیرمنطقی ترجیح می‌دهد با خطر و مرگ روبه‌رو شود، نمونه‌ی بارزی از ادبیات کشورهای است که در بالا به آن‌ها اشاره شد.

زندگی در وحشت پنهان از مرگ

در دوره‌ی بعد، نویسندگان بیشتر به خلق آثاری از حوادث جنگ رو آوردند که اسطوره‌زدایی و تقدس‌زدایی سرلوحه‌ی کارشان به شمار می‌آمد. در این کتاب‌ها جنگ از منظر کودکی نمایش داده می‌شود که نمی‌تواند تمام اتفاقاتی را که در اطرافش می‌افتد درک کند. حتی مرگ کودکان در جنگ نیز به گونه‌ای دیگر نشان داده می‌شود. حد اعلا‌ی هیجان در نشان دادن مرگ در این آثار به صورت اشاره و کنایه است و وحشتی که به خواننده سرایت می‌کند، باید به گونه‌ای با تجربه‌ها و دانش او در ارتباط مستقیم باشد و بر مبنای آن‌ها شکل بگیرد.

اسناد معتبر، جایگاه ویژه‌ای در این نوع ادبیات دارند. خاطرات «آن فرانک» در آغاز فقط دست‌نوشته‌های پراکنده و مغشوش دختری دوازده ساله فرض می‌شد که برای رفع و ارضای نیازهای روحی خودش نوشته است. اما با وجود شخصیت غیرمعمولی که او در این دوره از زندگی‌اش از آن یاد می‌کند، این خاطرات به تدریج به اسنادی تاریخی تبدیل شدند (بازآفرینی حوادث واقعی و استفاده از نام مستعار برای افراد واقعی). در این خاطرات سرنوشت دردناک اسرا و بازماندگان جنگ به صورت مستقیم نشان داده نشده است، اما زندگی تراژیک آن‌ها را می‌توان در ترسی که «آن»، خانواده و دوستانش در مخفیگاه‌ها تجربه کرده‌اند به خوبی حس کرد. مرگ هنگامی که نقطه‌ی پایان و افتخارآمیز زندگی به شمار نمی‌آید، می‌تواند به تهدیدی دائمی تبدیل شود که چهره‌ای زشت و بی‌رحم دارد. کتاب «یادداشت‌های روزانه‌ی آن فرانک»^{۳۵}



اولین بار توسط پدرش به چاپ رسید که تنها فرد خانواده بود که از اردوگاه‌های مرگ آلمان‌ها جان سالم به در برده بود. ایسون لسی گولد^{۳۶} سرگذشت آن فرانک را در رمانی تحت عنوان «خاطرات آن فرانک»^{۳۷} در ۱۹۹۷ بازنویسی کرد و در آن از مشاهدات هانا گولسار، یکی از دوستان صمیمی آن فرانک بهره گرفت. رمان با ناپدید شدن ناگهانی خانواده‌ی آن شروع می‌شود که به نوعی آغاز گسستن دوستی بین این دو دختر نوجوان است. آن‌ها یکدیگر را فقط دو ماه پیش از مرگ آن در برگن-بلسن ملاقات می‌کنند. دفتر خاطرات روزانه‌ی دیگری نیز از یک دختر لهستانی دوازده ساله به نام واندا پری بیلسکا^{۳۸} که در ۱۹۴۴ کشته شد، وجود دارد. این خاطرات که به اندازه‌ی خاطرات آن فرانک شناخته شده نیست، با نام «قسمتی از قلبم: یادداشت‌های سال‌های جنگ»^{۳۹} در ۱۹۶۴ به چاپ رسید. در این کتاب دنیای ظریف و شکننده‌ی دختری جوان در کشاکش با جنگی خشن و بی‌رحم به صورتی بی‌پرده و عریان به تصویر کشیده شده است (به عنوان مثال، واندا چند روز پیش از مرگش، دوستش را که به شدت زخمی شده است از میان ویرانه‌ها بیرون می‌کشد). علاوه بر این‌ها اسناد و مدارک تلخی از جنگ در آثار ادبی کودکان پناهنده در اردوگاه‌های اسرا وجود دارد که از فرار، ترس و اندوه آنان در این



دوره حکایت می‌کند.

احساسات و تجربه‌های کودکانی که در اردوگاه‌های جنگی یا مناطق اشغال شده بزرگ شده‌اند، به صورتی روشن در آثار تعدادی از نویسندگان مانند یوری اورلف^{۲۲}، چایم پوتوک^{۲۳}، هوبرت مینگاری^{۲۴}، آرانکاسی گال^{۲۵} و آلکی زی^{۲۶} نشان داده شده است. بسیاری از این نویسندگان به تجربه‌های دوره‌ی کودکی خود بازگشتند و آن‌ها را بازآفرینی و روایت کردند. در این روایت‌ها همبستگی انسانی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و مرز بین نفرت از جنگ و دوست داشتن زندگی انسان‌ها معنی می‌شود.

در رمان «پسری در پیژامه‌ی راه‌راه»^{۲۷} (۲۰۰۶) جان بوین^{۲۸} بی‌رحمی جنگ را با سرنوشت دو پسر بچه نشان می‌دهد که آرزوهای کودکانه‌ی آن‌ها سر منشأ دوستی پاک‌شان است. اصلیت آن‌ها سبب می‌شود که از یکدیگر جدا شوند و هر یک در شرایط جداگانه‌ای زندگی کنند. برونو- نه ساله- فرزند یکی از فرماندهان اردوگاه مرگ است و به هیچ وجه نمی‌تواند شرایط بسیار سخت دوستش، اشمول، را که در اردوگاهی، پشت سیم‌های خاردار زندگی می‌کند تصور کند؛ چرا که پسری در سن و سال او فقط قادر است هر چیزی را با تجربه‌های شخصی خودش مقایسه کند. بنابراین، میله‌های زندان از نگاه خام و کودکانه‌ی برونو به پیژامه‌های راه‌راه تبدیل می‌شود. ارتباط بین پسرها، به صورت نمادی با یکی بودن روز تولدشان و مرگ هم‌زمان آن‌ها در اتاق گاز به حد‌اعلای خود می‌رسد. تراژدی زندگی آن‌ها در خلال روایت برونو از حقیقت دنیایی که در آن زندگی می‌کند، ابعاد پر رنگ‌تری به خود می‌گیرد. این کتاب از نگاه پسری است که تجربه‌های شیرانه‌ای ندارد و نمی‌تواند انهدام دنیایی را بپذیرد که پدرش نیز در آن نقش دارد. مخاطب کودک این رمان حتی مرگ برونو و دوستش را از اخلاص متن آن می‌تواند استنباط کند.

در این روایت‌ها، نویسنده شخصیت کودکی یا کودکانی را- همراه با میل آنان به زندگی، آرزوها و رؤیاهای‌شان- به تصویر می‌کشد و سپس ناپدیدشان می‌کند؛ آن‌ها نه فقط از متن روایت که از صحنه‌ی زندگی. این محو شدن تأثیر سنگینی بر احساس خواننده می‌گذارد. این نوع مرگ، مانند مرگ کودکان در جنگ جهانی اول عبث و پوچ نیست. در این‌جا کودکان به واقع قربانیان خشونت و نزاعی هستند که هیچ درکی از آن ندارند. این مرگ‌ها هر چه تلخ‌تر باشند، شور زندگی را پر رنگ‌تر نشان می‌دهند و دائمی‌ترند. در این‌جا مرگ، تمثیلی از نابودی و خودبیگانگی است که تمام عذابی را که هر کودکی ممکن است در طول جنگ تجربه کند، نشان می‌دهد.

کودکان امروز و جنگ

نیمه‌ی دوم قرن بیستم نیز شاهد درگیری‌های مسلحانه‌ای بود که کودکان را هم گرفتار محنت کرد. شواهد مستندی

که بر رنج و عذاب کودکان صحنه می‌گذارد، این بار هم خاطرات روزانه‌ی آن‌هاست که بی‌شبهت به خاطرات آن فرانسوا نیست. این خاطرات نه فقط اسناد بسیار مهم تاریخی به شمار می‌آیند، بلکه اسنادی روان‌شناختی نیز محسوب می‌شوند؛ چرا که نویسندگان آن‌ها زندگی خود را (مدرسه، دوستی، ارتباطات و مسافرت) را در ارتباط با جنگ بر صفحه‌ی کاغذ آورده‌اند و خانه‌های ویران شده‌ی خود را در خیال‌شان، به همان‌گونه که دوست داشته‌اند، دوباره ساخته‌اند. زلاتا فیلیپووی، دختری بوسنیایی است که در سارایوو زندگی می‌کند و با شروع جنگ (۱۹۹۲-۱۹۹۳) شهر در محاصره‌ی دشمن قرار می‌گیرد. این دختر دوازده ساله به تدریج به کمبدها و انزوای اجتماعی عادت می‌کند، اما نمی‌تواند از پس بی‌رحمی و مرگ برآید. مرگ دوست کوچکش، نینا، بر اثر اصابت گلوله‌ی توپ در پارک، اولین تجربه‌ی غم‌انگیز و دل‌خراش زلاتاست؛ اما آخرین نیست. کشتار، قتل‌عام، وحشت، جنایت، خون، گریه، اشک و ناامیدی کلماتی هستند که او برای توصیف روزهایی که در جنگ سپری کرده، به کار گرفته است. خاطرات زلاتا بعداً به بخشی از مجموعه خاطرات روزانه‌ی کودکان جنگ تبدیل شد که دوره‌ای از جنگ جهانی اول تا جنگ عراق را دربرمی‌گیرد.

در بخش دیگری از این خاطرات به هدا، دختری عراقی برمی‌خوریم که هر روز شجاعانه با ترس و خطر مرگ روبه‌رو می‌شود، اما نمی‌تواند مرگ هم‌وطنان بی‌گناهِش را تحمل کند. مرگ دوست نزدیکش او را تا سر حد ناامیدی پیش می‌برد، به طوری که زندگی برایش غیرقابل تحمل می‌گردد. جنگ به‌طور نامحسوس داغی همیشگی بر روح و روان هدا می‌گذارد و نوشتن خاطرات روزانه در حقیقت نوعی روان‌درمانی است.

به‌طور طبیعی جنگ باورها و ایده‌آل‌هایی را که به تدریج در کودکان و نوجوانان شکل گرفته‌اند، ویران می‌کند. به تصویر کشیدن جنگ در ادبیات کودکان معمولاً با موضوع جدا شدن آن‌ها از خانه، سرگردانی و هم‌گروه شدن با زنان و مردانی بزرگ‌تر از آن‌ها عجین است. این مشخصه همانند ساختار اولین رمان‌هایی است که برای کودکان و نوجوانان نوشته شد. به منظور تطبیق با ژانر رمان جنگی، شخصیت‌های داستان معمولاً مرگ را به صورت نمادین تجربه می‌کردند (هنگامی که در برزخ بین زندگی و مرگ قرار می‌گرفتند زخمی می‌شدند یا به خطر می‌افتادند) و با شخصیتی تازه دوباره به زندگی باز می‌گشتند. برای کودکان که دوره‌ی کودکی خود را به‌طور کامل در جنگ طی کرده بودند، متأسفانه جنگ بخش جداناپذیری از هویت آن‌هاست. در رمان «آک»^{۳۸} نوشته‌ی پیتر دیکینسون^{۳۸} (۱۹۹۰)، پسر آفریقایی دوازده ساله‌ای توصیف می‌شود که خانواده‌ی خود را در جنگ داخلی از دست داده است و تحت تربیت رهبر گروه مخالف قرار گرفته است. ذهنیت این پسر که هر روز مرگ خود را در بجه‌ی کارزار به چشم می‌بیند، چنان تغییر می‌یابد که می‌گوید: «جنگ مادر من است.» آرزوی کودکان برای زیستن و اصرارشان برای حفظ زندگی به شدت با کشتار و ویرانی ناشی از جنگ در تضاد است.

پی‌نوشت:

- | | |
|---|---|
| 1-The Heart of a Boy | 19-Michael Morpurgo |
| 2-Stolen Voices: Young people's War Diaries from World War 1 to Iraq. | 20-War Horse |
| 3-Edmond de Amicis | 21-Zap the War |
| 4-Little Veditte | 22-Pierre Elie Ferrier |
| 5-The Dog of the Second Company | 23-Jura Sosnar |
| 6-Frantisek Langer | 24-Yurashek |
| 7-About Our Legions; Children and Animals in Siberia | 25-mhe Diaries of Anne Frank |
| 8-Rudolf Medek | 26-Alison Leslie Gold |
| 9-Tashkent, City of Bread | 27-Memories of Anne Frank |
| 10-Alexander Sergeyevich Neverov | 28-Wanda Prybylska |
| 11-Revolutionary Military Soviet | 29-Part of My Heart: Diaries from the wae years |
| 12-Arkadi Gaidar | 30-Uri Orlev |
| 13-Arthur Tenvr | 31-Chaim Potok |
| 14-Memoire a vif | 32-Hobert Mingarelli |
| 15-Friends | 33-Aranka Siegal |
| 16-Catherine Cuenca | 34-Alek Zei |
| 17-His name was unknown soldier | 35-The Boy in the Striped Pajamas |
| 18-Private Peaceful | 36-John Boyne |
| | 37-Ak |
| | 38-Peter Dickinson |